

# ستاره سرخ

## «داغ دعواسی»

( گزارشی درباره مبارزه‌ی دهقانان رازلیق )

رازلیق با بیش از پنج هزار نفر جمعیت از دهکده‌های خودی سراب است. نه راه رستی به شهر دارد و نه بهداشت، نه پیش از یک مدرسه ابتدائی، بنابراین آنچه حیمای رازلیق را از دهکده‌های دیگر شخصی کند ( عرفی از وسعت منطقه مسکونی و گونه‌های بر رفت و آمد آن ) عبارت است از یک شعبه بانک صادرات یک دفتر ازجای رطایق، تعدادی دکان، خواربار فروشی، قصابی، سلمانی و غیره. به اضافه چند موهبتاً وسیع در طوق گوجه اصلی که مردان رازلیق اثر سرکار یا در شهر نباشند، آنجا هستند. وضع رازلیق در همین حال نموده‌ای از عقب ماندگی سراب ( و اساساً شرق آذربایجان ) است.

سراب خود شهر کوچکی است محروم از صنایع ماشینی و زمین اقتصادی. توتین محصول اصلی رازلیق است که دولت آن را پیش خرید می‌شد و در این یکی دو سال قیمت خرید آن را آنچنان پایین آورده است که امسال خیلی از توتین کاران در بخش‌های زمینشان بجای توتین حیرت‌انگیزی داشته‌اند. فشار روزافزون بائشها که زانو وار بر تن دهقانان جسیه‌اند، فشار مالیاتها و عوارض گوناگون، فشار هشتک زمین در مرفه بر دهقانان فقیر که به آنها زمین اجاره می‌دهند، فشار دستگاه ای دولتی ( از جمله چراگاه وسیع رازلیق را وقتی که باصطلاح ملی شد از دست رازلیقی‌ها گرفتند و به چشم دار بزرگ ده اجاره‌اند ) این همه فشار از همه سر بر نشانه دهقانان رازلیق که از سرمایه باقی بی بهره و از زمین گای و ابزار پیشرفته محرومند، سنگینی می‌شد.

قیمت زمینهای دهقانان بائین آمده است و تعداد زیادی از دهقانان که زمینی دارند آماده‌اند زمین خود را بفروشند و از زراعت دست بردارند. اما کسی خریدار نیست.

بیرا برای بخش خصوصی و سرمایه داران فیرا در نصیب زمینهای دهقانان، آنهم در یک منطقه گوهستانی که بهر حال زراعت مکانیزه شدنش تر خواهد بود، ناری بر دردمرست، بویبر، اگر دهقانان این منطقه دارای سن انقلابی ریشه داری باشند و همواره یک نوع روحیه‌ی ستا و جوشی در آنها وجود داشته باشد، بی شک میلیونرها ترجیح خواهند داد چنین منطقه‌ای را برای خرید بوبر - روزاری و "بخش دولتی" بدارند. اما طرح دولتی برای تبدیل خرده‌ها یا به جز در با سرعت لازم پیش نمی‌رود. اولاً بعلمت مقاومت مردم و ثانیاً بنا به خصالت بورژوازی که سرمایه داری دولتی، مثلاً نخستین شرکت سهامی زرانی آذربایجان شرقی قرار بود در همین سراب تشکیل شود که با مقاومت شدید دهقانان مواجه شد و ناچار بساطش را در حومه تیریز پهن کردند و این شرکت بنا بر اقتضای خود دولت ضرر می‌کند.

بدین ترتیب نه خرده بورژوازی خودی رازلیق می‌تواند رشد کند نه سرمایه داران رعیت و جرات دارند تا سرمایه‌های خود را به تبه و ماهورها و جلگه‌های کم وسعت میان کوهها و به میان این مردم "لجج" که دارای سن مبارزاتی هستند، منتقل کنند و نه شرکت سهامی زرانی می‌تواند به سهولت تشکیل شود.

با توجه به نجات بالا معلوم می‌شود که روستای رازلیقی بقیه در صفحه دوم

می‌توان نامید؟ تا ۲۰ سال دیگر تمام صنایع نفتی کشور ما تمام می‌شود. در حالیکه کشورهای امریکایی نه تنها با نفت ما اقتصاد خود را تقویت می‌کنند بلکه با آن صنایع خود سرخشی جدیدی برپا خواهند کرد. آنوقت این ایران است که نه نفت دارد و نه صنایع تولید انرژی دیگر! احیاً شاه این خیانت خود را بگوید و بگوید که تمام صنایع نفتی و کار در سرسرا ایران تخفیف کرده است.

اما مصاحبه‌ی شاه با "الحوادث" و تهدید او دیگر درجا خوب خیانتهای جلی نمی‌کشد و بعد جدیدی بخود می‌نویسد. این تهدید شاه زمانی صورت می‌گیرد که شریکی - سینجر از ملاقات خود با شاه اظهار خوشنودی می‌کند و دروازشش اعراب را در ادامه سیاست ستی خود، تصحیح نموده و دست به تهدید می‌زند.

اگر به معضلات متعدد امریکاییسم آمریکا ویره پس از بکار برد سلاح نفت توسط کشورهای عربی توجه کنیم، اثر به خشی که امریکاییسم آمریکا در منطقه خلیج فارس می‌کند شاه ندانده است، بیاندیشیم، وادیه‌های بی دریغی را خطاب به انحصاراتی که زاندارم منطقه حافظه صنایع آنهاست را دردم نظر بگیریم، آنوقت بهترین توانیم مفهوم تهدید شاه را درک کنیم.

اما ترجمین همیشه دچار خیال واهی هستند، شنه کری جدید شاه سرخشی جز شکست کامل نخواهد داشت. نماینده‌ی عربستان در جواب تهدید کی سینجر با قاطعیت استخوانچه تجاری به کشورهای عربی صورت گیرد، اولین اقدام آنها انفجار صنایع نفت خواهد بود.

خلفهای میهن‌مداران این سن دولتی مبارزه‌ی ضد امریکاییسم هستند، با خلق فلسطین و در خلقهای عرب همبستگی عمیقی دارند، چنانچه شاخشان دست به تجاوری زدند آنها مطمئن‌اند دست خلقهای عرب خواهند ایستاد. خلقهای ایران و عرب مطمئناً چنین تجاوری را بی‌ناسخ نخواهند کرد.

## آلبانی سرخ پیروزمند

سوسیال - امریکاییسم و دشمنان داخلی هنگام با عقبه نازک به پیش می‌روند. جنبش فوکنکی سوسیالیستی در آلبانی برای عمیق تر کردن این نواوزی پرولتری و تریست اسان نوین سوسیالیستی، مبارزه علیه روبریونیسم در همه زمینه‌ها را دست‌نبرده‌اند و نقش مهمی در تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا و ادامه‌ی راه سوسیالیسم ایفا می‌کند. مرکز کشور آنهاک بیسواد و بطور کامل در نسل بعد از آزادی از بین رفته و فرهنگ و دانش سوسیالیستی، روزگاری بیشتر می‌گیرد. آلبانی سوسیالیستی در گارچین سوسیالیستی برچم مبارزه علیه روبریونیسم مدرن و دفاع از مارکسیسم - لنینیسم را از همان آغاز این مبارزه بزرگ در جنبش کمونیستی برافراشته نشده‌اند و در اوضاع گونی نشی برارزند و در جنبش انقلابی خلقهای جهان برعهده دارند. آلبانی کشوری است کوچک با دو میلیون جمعیت، لیکن با دانش رهبری راستین حزب کارآلبانی مسلح به مارکسیسم - لنینیسم که از سیاست انترناسیو - نالیسم پرولتری و اتکا به نیروی خود پیروی می‌کند، مطمئناً پیروز برای بزرگتر و چشم‌گیرتری در تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا و ساختن سوسیالیسم بدست خواهد آورد و باز هم به پیش می‌رود.

آلبانی که ۴۰ سال پیش عقب مانده ترین کشوری اروپائی بود در حال حاضر از جگاری، تورم، بمران اقتصادی شسته نامتکر تمام کشورهای سرمایه داری است. در آن خبری نی‌باشد. وضع زحمتکشان این کشور هر روز بهتر می‌شود درآمد واقعی مردم هر ساله ۹ درصد افزایش می‌یابد، بهداشت و تعلیم و تربیت سمانی و جهانی است و زحمتکشان از دریافت ناهل مرد در هنگام مرضی و سایر مزایا برخوردارند. در جامعه‌ی سوسیالیستی آلبانی زنان نقش‌سازنده بر عهده داشته و توده‌های عظیم زنان نازکرو دهقان و روشنفکر شده و برادران خود در ساختمان سوسیالیسم فعالانه و قهرمانانه، فعالیت و مبارزه می‌کنند. جوانان نیز بنامه نیروی سرشار از اراده‌ای و شهروانی تحت رهبری حزب کار آلبانی در جبهه - ای مختلف ساختمان میهن سرخ خود و دفاع از آن در برابر امریکاییسم،

- زنده باد آلبانی سوسیالیستی!
- زنده باد حزب کار آلبانی!
- زنده باد رفیق انور خوجه مارکسیست - لنینیست کبیر!

## نقش مخرب شاه در مسئله نفت

عرب مجبور به بستن شیرهای نفت خود بر روی امریکاییسم آمریکا می‌گردد. شاه حاشی در مصاحبه با خبرنگاران الحوادث این توطئه‌گری جدید خود را چنین بیان می‌کند: " اینک که آنترپرس را بدیده‌اید مطلقاً می‌باید این سلاح را بر زمین بندازید... ادامه‌ی بازی کرد با سلاح نفت بی‌اندازه خطرناک است. البته مخالفت شاه در مورد استفاده از نفت به وسیله سلاح سیاسی علیه امریکاییسم مسائلی ناهای نیست. در زمان جنبش عظیم ملی نژاد صنایع نفت، در دوره‌ی دولت ملی دکتر مصدق که بدستی از امریکاییست‌ها خلق شد و دیگر صد رفت به کشورهای امریکاییست‌ها بخاطر انمان فشار بر آنها در قیوم سیاست ملی کردن صنایع نفت در سرسرا ایران گرفته شد، در عمل از پشت به جنبش و خلق خنجر زد. در پشت صحنه با امریکاییسم زد و بند پرداخت و طرح کودتای ۲۸ مرداد را راجع به کودتائی که تمهیدات شدیم، بلاواسطه در دست نگه داشت. صنایع نفت ما در آرزمان هم، هنگامه امریکاییسم اندهان با خطر حمران روبروند، شاه ادعا کرد که از عدم ساید عنوان سلاح سیاسی اشفا نمود. در حقیقت آنچه شاه می‌کند بی‌کودتائی علیه نارتوران امریکاییستی از آن استفاده شد و بعد از خود الان با بازداردن شیرهای نفت بر روی امریکاییست‌ها و اظهار اطمینان به آنها که " هرگز" بسته نخواهد شد. بهر آن سلاحی سیاسی علیه خلقهای عرب و اخلاق در جبهه متحد آنها، آبرو بکار می‌برد.

شاه از نفت بعنوان سلاح سیاسی کاملاً استفاده می‌کند اما نه در جهت خلقهای ایران و عرب بلکه در جهت امریکاییست‌ها. آيا فردا در ۲۰ ساله‌ی اخیر با کمترین چیز حیانتی بزرگ به خلقهای ایران و حوس خدشتی به امریکاییست‌ها

۲۹ نوامبر سالروز اتحاد جمهوری سوسیالیستی آلبانی است. خلق آلبانی که ۴۹ سال پیش تحت رهبری حزب کار آلبانی که رفیق انور خوجه در اس آن قرار دارد میهن خود را از یید فاشیست - ای ایتالیا و آلمان نازی آزاد ساخت و بنای یک آلبانی نوین را پایه گذاری کرد. حزب کار آلبانی همواره با پشتاری بر اصول مارکسیسم - لنینیسم و وسیع خلق، مبارزه علیه دشمنان داخلی و خارجی را به پیش برده و آلبانی را به دزی استوار و سرخ تبدیل نموده است.

آلبانی که ۴۰ سال پیش عقب مانده ترین کشوری اروپائی بود در حال حاضر از جگاری، تورم، بمران اقتصادی شسته نامتکر تمام کشورهای سرمایه داری است. در آن خبری نی‌باشد. وضع زحمتکشان این کشور هر روز بهتر می‌شود درآمد واقعی مردم هر ساله ۹ درصد افزایش می‌یابد، بهداشت و تعلیم و تربیت سمانی و جهانی است و زحمتکشان از دریافت ناهل مرد در هنگام مرضی و سایر مزایا برخوردارند. در جامعه‌ی سوسیالیستی آلبانی زنان نقش‌سازنده بر عهده داشته و توده‌های عظیم زنان نازکرو دهقان و روشنفکر شده و برادران خود در ساختمان سوسیالیسم فعالانه و قهرمانانه، فعالیت و مبارزه می‌کنند. جوانان نیز بنامه نیروی سرشار از اراده‌ای و شهروانی تحت رهبری حزب کار آلبانی در جبهه - ای مختلف ساختمان میهن سرخ خود و دفاع از آن در برابر امریکاییسم،

امر خلق فلسطین و در برخلافهای عرب در مبارزه علیه صهیونیسم و امریکاییسم و بخاطر کسب حقوق ملی فلسطین و پایان دادن به اشغال سرزمینهای عرب، عادلانه است. به همین علت از پشتیبانی وسیعی در سرسرا جهان برخوردار می‌باشد. امریکایی ملی خلق فلسطین و پایان دادن به اشغال فلسطین، در طیب توددهای وسیع خلقهای ایران جای دارد. نفرت خلق ما نسبت به صهیونیسم تجاوریست، نسبت به امریکاییسم آمریکا و سوسیال - امریکاییسم بسیار همین است. رژیم شاه اخیراً بویزیس از آغاز چهارمین جنگ اعراب و اسرائیل بخاطر جلوگیری از انفراد مطلق خود، در سطح جهانی و بویزی خارمیانه، همچنین خراسان از توسعه‌ی روزافزون مبارزه‌ی مردم ایران بخاطر همبستگی با خلق فلسطین و علیه سیاست رژیم در جانبداری از اسرائیل و اربابانش، دست به امسرا عوامفریبانه‌ای زده است.

شاه، این جنایتکار و خیانت‌نیزگر در مصاحبه‌های متعدد اخیر خود بی‌شرمانه چنان ادعا می‌کند که او همیشه از خلق فلسطین و خلقهای غربی پشتیبانی کرده است. اما آفتاب حقیقت را می‌توان بوشانید. مگر این رژیم شاه نبود و نیست که مبارزه‌ی خلقهای ایران را بخاطر سرکندر مبارزات مردم فلسطین و همبستگی با آن، سرکوبی می‌کند؟ او تنها جنگی است که در منطقه‌ی جنوب غربی آسیا به اسرائیل مستعینا نت می‌دهد، نفتی که اسرائیل برای بگذارند احتیاج ماشین جنگی و رفع احتیاجات اقتصادی خود شد به آید آن محتاج است. او دست سازنده‌های جاسوسی اسرائیل را در ایران بازی می‌کند. در بسیاری از اسرائیل امثال عازب مردم و جابول صنایع طبیعی ما را می‌دهد. صد هاستنار اسرائیلی در سازمان امنیت، ارتش، موسسات اقتصادی یگاری می‌کند. عوامفریبی‌های شاه بهیچوجه نمی‌تواند این حقایق را بپوشاند. اما دشمنی شاه با خلق فلسطین و امر عادلانه اعراب بدین جا خاتمه نمی‌یابد. رژیم شاه پیکار یکر زیر عنوان " از نفت نباید بعنوان اسلحه سیاسی استفاده کرد " دشمنی در برینه خود را به ثبوت رسانید.

کشورهای امریکاییستی بشدت تراوان احتیاج به مواد نفتی نفتی دارند و با توجه به رشد صنعت بر این احتیاج روز بروز افزوده شده است. بطوریکه ۶۱ درصد از مصرف مواد سرخشی اروای عربی از نفت می‌باشد. ۹۰ درصد آن را از کشورهای خلیج فارس و شمال آفریقا وارد می‌کند و این امر خنجر و پشتی صنایع کشورهای امریکاییستی را به مواد نفتی کشورهای صادر کننده‌ی نفت نشان می‌دهد. بنابراین بی‌سبب نیست که سیاست جدید نفتی در کشورهای عربی پیروزی کشورهای بازار مشترک زاین و سایر کشورهای امریکاییستی را با وجود آمدن بحران نفتی روبرو ساخت و آنها را به تکا بونداخت. پیروزی اولیه حاصل از سیاست نفتی جدید برای کشورهای غربی در چنین مدت زمان کوتاهی آن بود که امریکاییست‌های اروپا و مجبور به موضعگیری به نفع اعراب و علیه امریکاییسم آمریکا و صهیونیسم در مورد بازگشت اسرائیل بوزهای قبل از جنگ زوش ۶۷ نمود. حتی این تعمیر موضع امریکاییست‌های اروپائی تا جاتی رفت که در قطعنامه مشترک خود صحبت از حق خلق فلسطین را می‌کنند. زاین هم دردمتی کوتاه تعمیر موضع می‌دهد و خود را پشتیبان اعراب اعلام می‌دارد.

بدین ترتیب تهددگری رژیم شاه در مورد اینکه نفت اسلحه‌ی سیاسی نمی‌تواند باشد یا شکست کامل روبرویی کرد. اما شاه و قبحانتر از گذشته به عوامفریبی و فتنه‌گری خود ادامه می‌دهد و دست از تحریک در صفوف تولید کنندگان تحت عرب‌برنی می‌دارد. حتی زمانیکه ملک سعود که در آستانه‌ی برسی امریکاییست‌ها با شاه رقابت می‌کند، بر اثر مبارزات خلقهای

## زنده باد همبستگی انقلابی خلقهای ایران و عرب

در چه تنگنایی قرار دارد و طبعاً این سؤال پیش می آید که بالاخره سیر تکاملی آن چیست ؟ و چگونه جامعه رازلیقی از این تنگنا خارج خواهد شد ؟ این سؤال ما را می کشاند به این موضوع که تضادهای موجود این روستا را مختصراً توضیح دهیم :

۱- تضاد بین دهقانان بی زمین و کم زمین و بزرگترین زمینداران رازلیقی .

۲- تضاد بین دهقانان میانه حال یعنی بخش عمده ای اهالی که به کشاورزی روی زمین خود یا روی زمین اجاره به دامداری مشغولند ، با بانکها که در واقع قسمت مهم سرمایه ای را که دهقانان به کمک آن به کشاورزی و دامداری می پردازند و با بهره گزین تأمین کرده اند .

۳- تضاد دهقانان از یکسو و تجار ، رباخواران ، ملا- کین سابق منطقه سراب که نفوذ اقتصادی و سیاسی فراوان دارند ، از سوی دیگر .

۴- تضاد بین مردم ده از یکسو و دستگاههای مختلف دولتی نه بسناندن مالیاتهای گوناگون از جمله مالیات بر آبهای جاری ، ضبط چراگاه وسیع آبواجدادی و غیره آنان را تحت فشار قرار می دهد ، از سوی دیگر .

بدون زانداری ، سازمان امنیت و دستگاههای قضائی دولت ، مالکین ، بانکها ، شرکتها و موسسات سرمایه داری دولتی و خصوصی سرگرتنی توانستند به استناد کاعسد پاره عاقبتی بنام جنگ و سفته ، تعهدنامه و غیره ، دهقانان را چنین استثمار کنند و مورد ستم قرار دهند . دهقانان آگاه و جسور منطقی سراب در جریان زندگی همواره این رابطه را لمس می کنند . اما کدام از این تضادها عمده هستند ، تا نبراز آنها روی هم گذاشته ؟ مسأله ای است که باید مورد مطالعه و تحقیق و بررسی در سطح محل قرار گیرد و احتیاج به تحقیق و بررسی دقیق و مشخص دارد .

در مرحله ای در سال ۱۳۴۹ ، این تضادها چنان رشد کردند که باعث ایجاد یک مبارزه یکه رسیده ای وسیعی گردیدند . مبارزه دهقانان رازلیقی در این سال مثل هر مبارزه دهقانی دیگر در آغاز بر روی یک مسأله مشخص و قابل لمس بود .

تضادها هنگامی تشدید شد که ثروت مشترک مردم ده یعنی چراگاه که در شرایط سخت و طاقت برسی رازلیقی اهمیت بسیار حیاتی برای دهقانان دارد بنام اینکه شلی شده از جانب یکی از دستگاههای دولتی ضبط و در اختیار حشم دار و صاحب نفوذ ایلاتی گذاشته شد . اهمیت چراگاه مخصوصاً به آن سبب است که دهقانان در کار زراعت با مشکلات فراوان روبرو هستند و کمک گرفتن از آن می تواند از فشار خودکننده ای که پشتشان را خشم کرده است ، تا حدی بکاهد . علاوه بر این برای مردم رازلیقی ، ضبط چراگاه نموده و نشانه ی بارزی از ستمی است که رژیم حاکم بر دهقانان تحمیل می کند .

مبارزه علیه ضبط چراگاه بدان علت به صورت ضروری ترین و حادترین مسأله درآمد که در ننگه را در خود جمع کرد . اول اینکه مسأله تقریباً تمام اهالی بود و سرکشی تریسها مستقیماً نفعی در چراگاه داشت . دوم اینکه توده هسا این تجارز جید را در حق خود ، به هیچوجه نمی توانستند تحمل کنند ، به غرور و جشیت آنها شدیدا برخورد بود مقاومت و مبارزه هم به هم نشد کرد : در ابتدا مقاومت در برابر نوکران حشم دار ایلاتی ، و سپس زاندانم هسا و انجام با کل دستنماهای دولتی در محض ظاهر نشد . چراگاه توده بردانده ای است که نسبتاً دور از منطقه مسکونی قرار دارد . این توده از دید باز برای رازلیقی ها چراگاه بهره برده است . ( مردم این چراگاه را بطور ساده گوه می نامند ) در بهار سال ۴۹ جنبش بخاطر توده بیانشد که اکنون از آن بنام " داغ دعواسی " که بمعنای دعوی گوه است صحبت می کنند . چون فقط سنگام بهار از این گوه استفاده می شود از این رو بهار آن سال به فصل مبارزه بخاطر توده بدل گشت . در آغاز بهار حشم دار شاهسون بر اساس اره ای که با اداره منابع طبیعی منعقد کرده بود ، دامهای خود وارد چراگاه می نماید و در دامها می زند . رازلیقی عا همینکه از ماجرا با خبر می شوند بسا طبعه دامهای خود چراگاه را اشغال می کنند . حشم دار پس از چند برخورد مسلحانه خود را ناچار به عقب نشینی می بیند ( هر دو طرف مسلح بودند ) . رازلیقی ها گسه بطور جمعی توده را اشغال کرده بودند . پس از چند روز نیاز باقی ماندن - در توده را نمی بیند ( خصوصاً باتوجه به ضرورت کار زراعتی ) و به ده باز می گردند . لیکن بسیاری تکبانی از ثروت مشترک قرار می گذارد هر شب از میان

آهالی یک بخش از روستا تعداد نفرات معینی به کوه بروند و بسویت پاسداری کنند . این نظم ادامه می یابد تا اینکه حشم دار به تجاوز مجدد می پردازد . او این بار به سنت تریبی زاندانها در صدد بیرون راندن رازلیقی ها بر می آید . رازلیقی ها مقاومت شدیدی از خود نشان می دهند . ضمن برخورد هاتیکه بین نوکران حشم دار و زاندانم ها از یکسو و پاسداران و جویداران رازلیقی از سوی دیگر می دهند دوتن از رازلیقی ها زخمی می شوند . این امر حشم و نفرت عمیق مردم رازلیقی را بر می انگیزد ، نتیجتاً به صداد در آمده ، کارهای زراعتی متوقف می شوند و دیواره بطور جمعی به تود می روند ( شیور وسیلهی دعوت به جمع است ) . مردم روستاهای اطراف هم که از ماجرا با خبر شده بودند ، جاری رازلیقی ها می شنایند . برای نمونه از یک روستا ۴ نفر سوار به رازلیقی ها می بینند که گویا سلاح نیز همراه خود داشتند . علاوه بر این رازلیقی ها در پای توده از جانب یک تیره از شاهسونی شانی که با تیره مربوط به حشم دار میانی ندانستند ، بگری بپزایی می شدند ( آنان به مردم رازلیقی آمیختند که چگونه باید با نوکران که بدنیوه ایلاتی با جفاک و عداوتنگ نبرد می کنند ، مقابله کرده و در ضمن تعدادی فلما سنگ نیز به خود از چشم می یافتند در اختیار آنها گذاشتند ) .

رازلیقی ها در سه نقطه پرجم ایران را به نحوی که بخش سرخ رنگ رو به بالا باشند نصب می کنند . طبق قانون اساسی ، پرجم ایران سبز و سفید و سرخ است . رنگ سبز همواره بالا قرار داده شده است . نخستین بار در جمهوری مهاباد ۲۵-۱۳۴۴ رنگ سرخ در بالا قرار داد شد . قاضی محمد یثی از عیران این جمهوری که پس از شکست جنبش در دادگاه نظامی محاکمه و تیرباران شد ، ضمن محاکمه در برابر این سؤال که چرا پرجم ایران را بطور معکوس برافراشته است پاسخ داد که در قانون اساسی محل رنگها قید نشده است ، می توان بخش سرخ رنگ را در بالا قرار داد . بهر حال این عمل رازلیقی ها که آگاهانه انجام گرفته یک نوع تهدید و اعلام مقاومت تا پای جان بوده است .

زاندانم ها نتوانستند دهقانان را به فرود آوردن پرجم سرخ وا دارند . بر عکس با مشاهده تعدادی پیشروانده واقعاً نوهین آمیز زاندانم ها ، جادوهای زاندانم و حشم دار ، این راهزنان و تجاوزکاران ، به محاصره رازلیقی ها درآمد . هیچیک از آنان نتوانستند از جادوهای خود خارج شوند . در این هنگام بود که نامیونهای ارتشی پیدا شدند و سربازان را پیاده کردند . مردم رازلیقی تصمیم داشتند از حق خود دفاع کنند و دشمن را از چراگاه بیرون بریزند . هر عمل از جانب سربازان و زاندانم ها باغض العمل جمیروانه رازلیقی ها می توانست روبرو گردد . سر برخورد هائی که بین آنان از یکسو و نوکران زاندانها از سوی دیگر روی می دهد سردی می نمایانند به تاراج رفته و لباسها پاره می گردد .

ادارات دولتی شهرستان که در تمام این مدت با ستا- بزرگی دنبال راه حلی می شنند ، سرانجام هیات پنج نفری حل اختلاف اداره منابع طبیعی را برای تحقیق به کوه اعزام می دارند . به سربازان و زاندانم ها دستور بازگشت داده می شود و قرار می گردد حشم دار نیز با دام ها و نوکرانش بود را ترک کنند . به این ترتیب ناصبان از حرم گوه بیرون رانده شده و رازلیقی ها پیروزمانده به سمت ده حرکت می کنند . اما در این موقع حادثه جدید رخ می دهد . فرمانده زاندانم سراب که بسا کینه جوئی در پی شکار " محرثین " است ، جوانی را در داسل ده دستگیر و سوار جیب خود می نماید ، لیکن مادرش با شتاب خود را جلوی چرخهای جیب می اندازد تا ماشین را از حرکت باز دارد . زاندانم ها با اشاره فرمانده مادر را که آهستین هم بوده یا نک از سراه راه جیب دور می کنند . مضروب ساختن ما در ، یک زن بی دفاع و آهستین ، موج خروشان از خشم را در جمعیت بر می انگیزد . تصمیم بر آن می شود که بطور دسته جمعی به شهر بروند و قاطعانه علیه این همه بیادگری و تجاوز اعتراض کنند . مردم با خرسوسله و بطور عمده پیاده راه شهر را در پیش می گیرند . زود آنها به سپر مصاف با مرگ " آیت اله حکیم " تعطیل اجباری عمومی بود و تخنای نمای محدود سراب بر از شهرها و روستایان . بسا انفجار خیر فیم رازلیقی اموران حکومت دچار وحشت و سراسیمکی نوع العاده می شوند . در هم آمیختن رازلیقی ها با انبوه سایر دهقانان در خیابان ها که تعداد تمام کنندگان را چندین برابر بیشتر نشان می دهد ، بر

این وحشت می افزاید . تعدادی از مردم رازلیقی که در پاسگاه زاندانم می باز داشت و به سختی زخمی شده بودند با انتشار خیر آمدن رازلیقی ها به شهر با شتابزدگی توسط مامورین آزاد می شوند ( هر چند بعد دستها و پدیری را گرفتند و مضروب نمودند ) . رازلیقی هسا نخست در شهر تلگرافخانه را اشغال می کنند . آنها کارمندان را وادار به توقف کلیه کارهای خود کرده و مجبور می سازند که تلگراف آنها را به شاه بخابره کنند . پس از آن در تلگرافخانه مامورانی می گذارند که به محض وصول پاسخ تلگراف ، آن را به اطلاع رازلیقی ها برسانند این مامورین به توت در هر چند ساعت یکبار عوض می شوند و تا چند روز این عمل ادامه می یابد . پس از این مردم رازلیقی به دادگستری می ریزند . کارمندان را از سر میزبان بلند کرده و کارهای جاری را متوقف می نمایند خطاب به کارمندان یا عدای بلند می گویند : هیچ کاری از کار ما مهم تر نیست ، نخست باید به کار ما رسیدگی کنید . همین صحنه در فرمان آری تکرار می شود امروز تمام سراب روضه بر جوس و خروس انقلابی بخود می خورد . رفتن و آمدن وسایل نظیر متوقف می شود ، همه مردم از ستمی که بر مردم رازلیقی رفته است و مقاومت آنان آگاه می شوند و به ششانی بر می خیزند . برای نمونه هنگامی که رئیس دادگاه همراه با فرمانده زاندانم می خواست با جیب خود خیابان را طی کند ، با انبوه جمعیت خشمگین روبرو می شود . مردم از رئیس دادگاه می خواهند فرمانده زاندانم را در اختیار آنها بگذارند . رئیس دادگاه به التماس و تمنا آنان را به آرامش دعوت می کند . در تمام این مدت جمعیت با بارانی از تف و جملات و شعار های اعتراض آمیز نفرت خود را نسبت به فرمانده زاندانم می و گل رژیم فاشیستی و نسبت به خاندان دیکتاتور اعلام می کنند .

دهقانان می گفتند ما بقدری به هیجان آمده بودیم که هرگاه فرمانده از جیب پیاده می شد ، حتماً تک تگ اش می کردیم و هیچ کدام از ما را نمی توانستند بعنوان قاتل معرفی کنند . اما به احترام رئیس دادگاه نخو استیم و را از جیب بیرون کشیم .

ویزگیهای جنبش رازلیقی :

این یک جریان خود بخودی بود و صرفاً به ابتکار توده دهقانان برخاست و جریان یافت . گاه دهقانان خود متعجب می شوند که چگونه احساساتشان آنچنان یک باره به نیرو مبدل گشت و آنچنان حوادث سریع و پرتحرکی را موجب شد . در گروگرام جنبش هیچگاه اختلاف و دو دستیکی پیش نیامد . آنچه نخل می شدند همه از یکبارچگی و وحدت اکثریت ناطع مردم حکایت می کند .

پشتیبانی فعال روستایان اطراف مسأله مهمی است . آنان بدون آنکه مستقیماً در مبارزه رازلیقی ها نیفتند با شنیدن به یاری آنان برخاستند . بی شک این تجزیر کوانبهای است .

رازلیقی ها در گوه در برابر تجاوز و ستم شجاعانه از ثروت مشترک و حیثیت خویش دفاع نمودند . آنها مسلح بودند و این امر در برابر نوکرها و آدمهای مسلح حشم دار شاهسون به آنان قدرت بی خصمید . بد و ن دست بردن به اسلحه هرگز نمی توانستند ناصبان و سجا وزین را بیرون بریزند . دهقانان متحد و مضم بمقاومت در منطقه دهقانی خود نیروی عظیمی را به پد می آوردند . توده دهقانان متحد اما بی شکل و نافذ رهبری رازلیقی که برای نخستین بار به یک جنبش مقاومت جویانه علیه غضب ثروت اشترانی خویش دست زده بودند ، وقتی به شهر ریختند نیز همچون یک توده آگاه و جسور و مبارزه جو که سرشار از خشم و نفرت طبقاتی است ، عمل کردند . نه همچون رعایائی که برای عرس مظلومیت استدعای رحمت در دستگاه به مقامات مربوطه شگایت برده باشند . عمل رازلیقی ها در هجوم به شهر و اشغال ادارات دولتی و تف باراً فرمانده زاندانم می در طع عام نمونه عانی از روحیه رزمندگ آنها را نشان می دهد .

دستگاه دولتی در برابر این جنبش نخست غافلگیر شدند و سپس عقب نشستند . دشمن خیال می نرد با فرستادن زاندانم ( و سپس سربازان ) به توده مردم را کاملاً مغرب خواهد ساخت تا بجای خود بازگردند . در این شرایط توس به سرلوب بیرحمانه برای اوگران تمام خواهد شد ، ناچار عقب می نشینند و هیات حل اختلاف را کسیر می دارد . به زاندانم ها و سربازان دستور مراجعت می دهد و زیر فشار توده ها اجازه حشم دار را لغو می کند . اما مترجمین دست از تهنه گری بر نمی دارند بلکه ناصله بعد از بازگشت از گوه دشمن در صدد تعقیب و

انتقام جوئی بر می آید . مردم را دسته دسته به پاسگاه زاندانم می برند و زیر ضربات جوب ، بند و سبیلی توفتند اما هجوم جمعی دهقانان به شهر ، دستگاههای دولتی را عاظنیر کرده ، کار زاندانم و شهرداری شهر کوچکی چون سراب چنان جمعیتی را کانی نبود . استفاده از ارتش و اساساً هرگونه کوششی برای سرکوب می توانست نتیجه ثابلاً معکوس به بار بیاید . دشمن همواره از نیروی خشم توده ها هراسان است . او بیبوده تلاش دارد که آتش خشم انقلابی و کینه خلق را زیر خاکستر رعب و وحشت و پراگندگی پوشیده بدارد و دست کم تا مدتی خاموش نگا لندا جهی می کند هرگونه کوششی برای کار زدن این خاکستر را با درنده خوئی فاشیستی خویش خنثی کند .

وضع بعد از جنبش :

بر اساس پیشنهاد اداره منابع طبیعی ، رئیس سفیدان در هر گوی اقدام به جمع آوری پول نمودند تا چراگاه بنام ده نفر از رئیس سفیدان رازلیقی اجاره شود . حتی مقداری پول هم جمع آوری شد . اما این امر با اشاعت و مقاومت مردم روبرو شد . مردم می گفتند هرگاه گوه فقط بنام ده نفر اجاره شود ، در واقع ما از حق مسلم وی چین و جرای خود محروم شده ایم و در هر حال ثروت مشترک از دستمان بیرون خواهد رفت ، و نقطه تفرق استفاده از آن را کسب می کنند و ممکن است بیکروز نیز عملاً از استفاده از آن محرومان کنند . به این ترتیب جمع آوری پول متوقف شد . این بود تحولات رازلیقی تا مرداد ۱۳۴۹ .

\* \* \* \* \*

چند نکته مهم و آموزشی :

نژادش بالا چهار ننگه اساسی را با توجه به اوضاع کوهی برای ما برجسته می سازد :

۱- مبارزات دهقانان رازلیقی در صورت نفوذ کمونیست

ها و شرکت آنها می توانست به تدریج مهم در جهت سازماندهی بزرگ کمونیستی در منطقه آذربایجان تبدیل گردد . به علت عدم وجود حزب کمونیست ، موفقیت های بسیار مهم دهقانان رازلیقی نمی توانست حفظ گردد و قدم به قدم به مبارزه ای آگاه ، متشکل و متحد با مبارزات دیگر مبدل شود .

این مسأله یکبار دیگر نه تنها درست بودن سمت گیری سازمانهای کمونیستی را در نفوذ و مبارزه در روستا صحنه می گذارد بلکه اهمیت عملی پیوند با مبارزات دهقانی را در برابر چشم کلیه مارکسیست - لنینیست ها قرار می دهد روشن می سازد که چرا باید تمام قدرت سیاسی ، تشکیلاتی ، تمام استعداد های سازمانی خود را بنظر اندازند تا بتوانند این مشکل را سهل کرده و با شرکت در مبارزات توده ای نقش تاریخی و تعیین کننده کمونیستها را شکوفا سازند .

مبارزات دهقانی ، مثل هر مبارزه توده ای دیگر باید بر اساس نیازمندی های واقعی توده ها باشد . در ده رازلیقی تضادهای اساسی مختلفی موجود بوده ولی آنچه که باعث درگیری مبارزه بطور مشخص می گردد - ضبط چراگاه عمومی است . کمونیستها بخاطر اینکه نتوانند از نیازمندیهای واقعی توده ها آگاهی یابند ، مجبورند به میان آنها روند و با شرکت در مبارزات آنها چنین ششخ را بدست آورند . هیچ کمونیستی از دور نمی توانست نیاز مندی واقعی دهقانان رازلیقی را در آن زمان دریابد و درجدهی مصمم بودن آنها را برای مبارزه عمیقاً بشناسد .

مبارزه دهقانی در صورتیکه بخاطر نیازمندیهای واقعی دهقانان باشد ، منجر به شرکت فعال اکثریت وسیع می گردد ، متحدین زیادی بوجود می آورد ، قدم به قدم رشد می کند و به درگیری مسلحانه توده ای کشیده می شود . این می رساند که توده های خلق ، سلامت و آرام نیستند ، مبارزه می کنند و این مبارزه را تا سطح مسلحانه هم می کشند در عین حال به کمونیستها می دهد که نقش شرکت در مبارزات توده ای را دارند می آموزد که از همان آغاز برخوردی درست به مبارزه مسلحانه داشته باشند و از لحاظ ایدئولوژیک ، سیاسی ، تشکیلاتی و سبک کار خود را کاملاً آماده نمایند . زیرا بدون چنین تدارکی هیچ سازمان کمونیستی و یا حتی حزب کمونیست قادر نیست در میان توده های دهقانی پایه کبیر ، آنرا استحکام بخشد و توسعه دهد .

آخرین آموزش این است که باصلاح اصلاحات ارضی رژیم یا شکست کامل روبرو شده است ، تغییرات حاصله در روستا ها همگی در جهت فقر و بدبختی بیشتر دهقانان سیر کرده ، تضادهای جامعهی کهن روستائی ما را حاد تر نموده است . در نتیجه اوضاع برای پیوند جنبش انقلابی شهر با روستا مساعد تر گردیده است .

# به پیش در سمت پیوند با کارگران و دهقانان

### موج نوین مبارزات دانشجویی

موج نوینی از مبارزات دانشجویی در کشورهای مختلف جهان مجدداً در حال برخاستن است. در بعضی موارد این موج به جنبش توده ای عظیمی بدل گشته و می رود با برپایی گرفتن سمت صحیح یعنی پیوند با مبارزات کارگران و دهقانان باز هم بیشتر پیروزی بدست آورد. در ماههای اخیر نمونه های ناپلند، یونان و کره جنوبی بطور بارزی این سیر تکاملی را نشان داده اند.

\* ناپلند: جنبش عظیمی از دانشجویان ناپلند علیه فشار حکومت ارتجاعی و دیکتاتوری و برای کسب حقوق دموکراتیک در ۶ اکتبر ۱۹۷۳ در بانکوک پایتخت این کشور شروع شد. در عرض چند روز یعنی تا ۱۴ اکتبر نیم میلیون نفر از مردم بانکوک و سایر نقاط ناپلند در این مبارزه دموکراتیک شرکت جستند. علت بلاواسطه ای این مبارزه وسیع دستگیری ۱۳ تن از دانشجویان، معلمان و سایر افراد مبارز و زخمی و کشته شدن صد ها تن از مردم در مبارزه برای دموکراسی بود. در آغاز هزاران تن از دانشجویان مدارس عالی و دانش آموزان مدارس کلاس ها را تعطیل کرده و تظاهرات عظیمی برپا داشتند و با اعتراض شدید به وحشیگری ارتش و پلیس، خواستار آزادی فوری دستگیرشدگان و برکناری دولت نظامی شدند. بر خاستن چنین موج بزرگی از جنبش دانشجویی نشانه ای از بیداری روزافزون مردم ناپلند و رشد قدرتمند مبارزه شان علیه فشار و برای دموکراسی است. در مقابل حملات مسلحانه ارتش و پلیس به تظاهرات، دانشجویان مبارز قهرمانانه ایستادگی کرده و با دادن چندین ده تن قربانی پرچم مبارزه را برافراشته نگه داشتند. مسردم زحمتکش به پشتیبانی این موج، مبارزه جوانان برخاسته و با جمع آوری پول و غذا و دیگر احتیاجات دانشجویان به آنان کمک رسانند. رانندگان اتوبوسهای بانکوک بهمنوعاً نمونه داوطلب شدند. تظاهرکنندگان را به محل تظاهرات و جلسات برسانند و راهبان مذهبی سهم برنج خود را برای غذا دادن به دانشجویان مصرف کردند. با پیوستن هزاران تن از مردم ستم دیده و مبارز دیگر، دانشجویان، ساختمانهای دولتی را تسخیر کرده و ماشین های دولتی را به آتش کشیدند. مبارزه سرسختانه دانشجویان ناپلند علیه دواوردستی تانوم - پرافاس تصادفی نبوده است. این دواوردسته برای مدتی طولانی سیاست داخلی و خارجی ای در پیش گرفتند که برخلاف منافع ناپلند بود، سیاستهایی که خلاف خواست توده ها برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و وجود دموکراسی ناپلند است. و این مردم ناپلند را به مبارزه سخت علیه آنها برانگیخت. در ۱۴ اکتبر این دواوردستی ارتجاعی که از طریق کودتای نظامی بر سر کار آمده و مدت ده سال بر این کشور حکومت می کردند از ترس استعفاء کرده و از ناپلند گریختند. طبقات حاکمه سبزه شدند. مقامات انتخاباتی را فراهم آورده و دانشجویان و افراد زندانی را آزاد کنند. مبارزه دانشجویان ناپلند عادلانه است. دانشجویان و مردم ناپلند سرانجام خواستههای خود را بدست خواهند آورد. در اوضاع گونی تضاد بین مردم و دواوردستی حاکم شدید احاد است و ارتجاعیون نه بوسیله دست زدن به سرکوب سلحشانه و نه با توسل شدن به فریب و نیرنگ می توانند جلوی موج جنبش دانشجویی و مردم ناپلند را بگیرند. مطمئناً خلق ناپلند که دارای ستاد رزمنده، حزب کمونیست است، تحت رهبری آن قادر است پیروزیهای بدست آمده را تحکیم نموده و پیروزیهای باز هم بیشتری بدست آورد.

### زنده باد مبارزات خلقهای ترکیه

در ۱۲ مارس ۱۹۷۱ در ترکیه یک دیکتاتوری نظامی بر سر کار آمد. این دیکتاتوری برای سرکوب مبارزات استقلال طلبانه و آزادبخش ملی خلق ترکیه که بیست سالهای ۶۰-۱۹۷۰ سرعاً رشد کرده بود و بخاطر از بین بردن جنبش انقلابی که برای اولین بار در تاریخ ترکیه در یک پیروسی طولانی ده ساله به امکانات مبارزات خلقی دست یافته بود از طرف امپریالیسم آمریکا و مرتجع ترین بخشهای حاکمه وابسته به آن با تکیه به ارتش ناتو مستقر گردید.

دولت دموکرات (حزب عدالت) نه دیگر بر اثر رشد و پیوستن مبارزات مردم نمی توانست بخوبی منافع امپریالیسم آمریکا و نوکران داخلی را حفاظت کند. توسط اخذ تریه ۳ مارس ۱۹۷۱ به امضاء فرماندهان ارتش وابسته به ناتو معزول شد و دولت دست نشانده ای دیگری که اداره آن عمدتاً در دست ارتش بود بوجود آمد و در ۲۶ آوریل ۱۹۷۱ به دستور حکومت نظامی اعلام کرد. اما خلق قهرمان ترکیه در برابر این تجاوزات دست به مقاومت زد و به مبارزه مثبت در مقابل مشت برداخت. رژیم دیکتاتوری یاتوسل به ارتش، به سرکوب اعتصابات و سایر مبارزات دموکراتیک و سند بیگانه کارگران و با تکیه به نیروهای کماندووزان ارتش به سرکوب جنبش دموکراتیک دهقانان که علیه اربابان و دلالان بود، پرداخت، سیاست حرمیتهای دیکتاتور اعمال ستم ملی به دهقانان خلق کرد که در منطقه شرقی ترکیه زندگی می کنند بازم تشدید کرد، مبارزات ضد امپریالیستی و ضد فئودالی جوانان را که طی ده سال اخیر توده های وسیعی را در بر می گرفت به آتش و خون کشید و بی شرمانه و با شدت کامل به سازمانهای انقلابی حمله ور شد.

از سوی دیگر دیکتاتورهای نظامی بخاطر جلب پیروزی اصلاح طلب و بخاطر فریب خلق شعار عوامفریبانه "انجام سریع رفرمهای بیسببی شده در قانون اساسی" را به میان کشیدند. بویژه برای فریب ۲۰ میلیون توده دهقانان اکثریت عظیم جمعیت ترکیه را تشکیل می دهد، اعلام "رفرم ارضی" نمودند. ولی آیا طبقات حاکم، شودال ها، کمبرادورها و امپریالیستهای صاحب نفوذ و قدرت در ترکیه می توانند دست از رقابت بردارند؟ آیا سیاست سرکوب و "اصلاحی" آنها می تواند از برخواستن مبارزات توده های خلق جلوگیری کند؟ سیر حوادث بعدی در عمل جواب سندی به این سئوالات را داد.

در مارس ۷۳ دیکتاتوری نظامی وابسته به آمریکا با بحران جدیدی روبرو گردید. با انجام کودتایست جمهوری سونای رقابت بین طبقات ارتجاعی حاکم جهت انتخاب رئیس جمهور جدید حادث شد. بعد از چهار هفته تلاش در جهت سازش بالاخره یک زنیال بازنشسته ارتش را به ریاست جمهوری انتخاب کردند. متعاقب آن سونای دولت دست نشانده نظامیان استعفاء نمود. چهارمین دولت با ائتلاف حزب ارتجاعی عدالت و حزب جمهوری خواه خلق بوجود آمد. برنامه این دولت نیز با برنامه سه دولت قبلی فرقی نداشت: همان باصطلاح "تأمین آسایش و امنیت و انجام رفوم".

در حال حاضر وظیفه مردم انقلابیون ترکیه ایجاد حزب انقلابی طبقه کارگر با عری راسخ می باشد. حزب مارکسیست - لنینیستی طبقه کارگر باید از همان آغاز دارای سیاستی روشن در بوجود آوردن نیروهای مسلح کارگران - دهقانان (ارتش خلق) که شکل عده ای سازماندهی عده سازماندهی انقلاب است، نمی توان جدا از مبارزات رزات دموکراتیک و مسالهی ارضی دهقانان و مبارزات طبقاتی کرد (مطابق بخش مهم از دهقانان ترکیه) علیه سیاست طبقات حاکمه مبنی بر اعمال ستم ملی و سیاست از بین بردن اقلیتها ملی از طریق حل کردن آنها در ملت بزرگ، برخوردار نمود.

انقلاب عمیق اجتماعی، انقلابی که توسط پرولتاریا رهبری گردد و به پیروزی نهایت رسد، از فراز و نشیبهای گذر و موج وار پیش می رود. خط مشی سیاسی درست کسب نقش تعیین کننده در پیشبرد یا شکست انقلاب دارد، طی بررسیهای طولانی بدست می آید. سازمانها و احزاب انقلابی طی شرکت طولانی در مبارزه است که با یافتن روی اصول و داشتن سمت صحیح مارکسیست - لنینیستی تجربه می اندوزند و به کاردانی و بلوغ می رسند. ما مطمئناً که سازمانهای انقلابی مارکسیست - لنینیستی ترکیه، با انتقاد و طرد عمیق تر رژیم بیونیم بعنوان انحراف عده و همچنین با انتقاد از مبارزه مسلحانه جدا از توده ها و کمونیسم "جپ" قادرند با توجه به اوضاع جدید بطور استوار در راه ایجاد حزب کمونیست واقعی به پیش روند. کشور ما و تریه همسایه اند. میان خلقهای دو کشور ما همبستگی عمیقی موجود است، خلقهای دو کشور ما تحت ستم های مشابه بوده و دارای دشمنان مشترکی هستند. وظیفه نیروهای انقلابی دو کشور است که جنبه های متحد خود را فشرده تر ساخته و همگام، همراه و همسنگ علیه دشمنان مشترک به مبارزه برخیزند.

زنده باد همبستگی خلقهای ترکیه و ایران!  
 زنده باد جنبش انقلابی خلقهای ترکیه!  
 زنده باد جنبش مارکسیست - لنینیستی ترکیه!

نشانی  
**توده وستاره سرخ**  
 Mme PAOLA DI CORI  
 C. P. 493 S. SILVESTRO  
 ROMA  
 ITALY



# پرولتاریای جهان، خلقها و ملل ستم دیده متحد شوید!

### جرات به مبارزه

سرود رزمندگان شازده هم در باره یگر جنبش مرفی و وسیع دانشجویان ما را فراموشی کرد. ۲۰ سال پیش، هنگامیکه رژیم جنایتکار شاه با کودتای ننگین ۲۸ مرداد که بدست سازمان جاسوسی آمریکا انجام گرفت، مجسده استقر کردید، هنگامیکه تروریست سراسر میهن ما را فراگرفته متنی تسلیم طلبی و سازش در رهبری حزب توده ایران تسلط یافته و بیوزواری ملی عدم توانایی خود را یکباردیگر در رهبری جنبش دملراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران نشان داده بود. دانشجویان دانشنده تهران بویسزده دانشکده هی کتی بعنوان فرزند ان وفادار خلق، خلقی که طی چندین سال مبارزه سخت و وسیع ضد امپریالیستی رژیم ضد غارت نفت توسط استعمار انگلیس، آبدیده شده بود، برخاستند و به تمام خیانتها و جنایات رژیم شاه مهرباطل زدند. خیزش شازده هم آذر، نشانه ای بود از وفاداری دانشجویان به خلق، از پیوند آنها با مردم و از روحیه ی رزمندگی و بی هراسی از مرگ و سختیها!

شریعت رضوی، قندچی، بزرگ نیاسه تن بودند اما قلمش از قلب هزاران دانشجوی از میلیون ها نوجوانی که در تمام خلقهای ایران متناثر بود، آنها نماینده هیعیسان و طغیان خلقی بودند که مقاومت می کرد و به مقاومت مصمانه ادامه می داد.

جنبش دانشجویان و روشنفکران میهن ما جنبش است که در مبارزه شکل گرفته، در راه پیشرفت سزاران خار بوده و راه همواری بخود ندیده است. سرخی راهش خود کراهی از فداکاری صدها هزاره انسان که جان در گریه بنام ضرورت پای در زینش نهادند. از صفوف این جنبش افرادی بر خاسته که در پیشاپیش صفوف طبقات انقلابی جامعه ی ما قرار گرفته و جان خود را فدا نمودند.

ملك المتكلمين ها، جیدرموا و علی ها، ارانی ها، روزبه ها، فاطمی هانوسه عائی از نامه ارانند، در حالیکه همراه آنها صدها هزاره های نام بودند و رفتند. به دهی اخیر نظر افکیم، باز هم به نا مهای زیاد یبری خوریم. از دانشجوی مبارز کرد شریف زاد گرفته تا کتیرائی قهرمان دانشجوی دانشنده تبریز، از احمد زاده گرفته تا مهدی رضائی این گل سرخ انقلاب ایران، همه حاکی از رزمندگی جنبش دانشجویی و روشنفکری ما است، همه حاکی از آگاهی قشرهای پیشرو آن، از مسائل خلقی و نماینده هی مقاومت و بیداری اوست.

جنبش دانشجویان و روشنفکران مرفی خارج هم از سبک مبارزه جوانی و اخل پیروی کرد هاست. هم اکنون در صفوف رزمندگان در بند داخل کشور، جبهه های درخشانی چون سیامک لطفی الهی، حسین رضائی، جعفرودی و محمود جلازیرود هه با نفرین وجود دارند که بطور استوار در سمت خلق ایستاده و به مبارزه در اسارت ادامه می دهند.

رژیم شاه همیشه تلاش مذبحوانه کرده است به این جنبش را سرکوب نماید و از راه پیروزی آن یعنی مبارزه پیگیر و فاطح علی طیفیات ستمگر حاکم، امپریالیسم و سوسیالیسم - امپریالیسم منحرف سازد.

عدم تمرد دیدگر نامه های فعالین، اعمال فشار بر خانواده های دانشجویان، توسل به پلیسهای کشورهای امپریالیستی برای زیر فشار قرار دادن دانشجویان، تخریب از اخل در صفوف دانشجویان از طریق عوامل سازمان امنیت، تطمیع و دادن رشدهای بی هی شمار، انتشار روی پاره های تبلیغاتی متعده بر ضد جنبش دانشجویی، تبلیغ و وسیع تسلیم طلبی و بالاخره غیرقانونی کردن کتفر راسمین، از جمله وسائلی است که رژیم بخاطر سرکوب جنبش دانشجویی خارج بکاربرد هاست.

روزی یونیستهای حزب توده ایران که به امپریالیسم شوروی متعده می کشند، در نابودی و سرکوب جنبش دانشجویی خارج، از طرق و وسائلی دیگر رژیم شاد رقابت دارند. علت است که این است که این جنبش علاوه بر رژیم شاه و امپریالیسم، علیه دستگاه حزب توده ایران و سوسیالیسم - امپریالیسم شوروی متعده دارد، آنها را افشا می نماید و با آنها مبارزه می کند.

دستگاه حزب توده ایران با نفی مبارزات شربخش جنبش دانشجویی خارج و سازمان متشکل آن کتفر راسمین جبهه های بایزرگ جلوه دادن کمبود های آن نمود بانه و با شیوه ی گرگ در لباس میش، کوشیده است تا تخم نفاق و تفرقه را که توسط رژیم افشاندگی می شود، بار آورد.

امانفشیوهی سرکوب رژیم، نفعصمیمات پلیسهای کشورهای امپریالیستی، نه بروی صحنه آوردن روسپیان سیاسی، نه تخریب روی یونیستهای حزب توده ایران هیچکدام نمیتوانست این جنبش را نابود سازد. برعکس در جریان مبارزه علیه این فتنه گریها و توطئه های داسی، آبدیده شد، استحکام یافت و صفوفش گسترش یافت. اما آنها با بر ماهیتشان هیچگاه دست از فتنه گری بر نمی دارند، به همین دلیل باید صفوف جنبش

### گرامی باد خاطره شهیدان کرد

هنگامیکه "ستاره سرخ" شماره قبل بریز چاپ می رفت خیر شهیدان و فرزند مبارز خلق کرد - عزیز مصطفی زاده و محمد صدیقی به مار سید و آن را درج کردیم. از آن زمان تا حال، میجی از خشم و نفرت نسبت به این جنایت جدید رژیم شاه در میان مبارزین و تمام خلقهای ایران، بیوزو خلق ستم دیده ی کرد، بویوز آمده است. عزیز مصطفی زاده در روزندگی فخری بود از شهر بانه که در همانجا زندگی محقری را می گذراند. او با تمام زحمت شبانه روزی، نمی توانست زندگی حد افنی را برای خود و زش که تازه از وچ برده بودند، تامین نماید. عزیز این فرزند آناه خلق کرد، در دنیائی بی از ستم و استعمار پرورش یافته بود، فشار و بیداد نری های بی حد و حصر رژیم شاه در کردستان، او را به مبارزه ی سیاسی کشاند و از عزیز مبارز راستینی ساخت که هیچگونه هراس از مرگ، بخاطر خلق در دل نداشت.

این اولین قربانی خانواده ی مصطفی زاده در راه رفاه خلقهای ایران نبود، خلیل مصطفی زاده معروف به سه شویان، برادر عزیز در جریان جنبش مسحانه ی خلق کرد (۱۳۴۷-۴۶) جان خود را فدا نمود. عزیز مصطفی زاده در جریان فتنه شدن ملا قادر یکی از رهبران مبارز خلق کرد، دستگیر شد. زیر شکنجه جلازان شاه قهرمانانه مقاومت کرد و با اینکه چند نفری از رفقای هم رزم خود را می شناخت، هیچگاه نامی از آنها در نزد جلازان نبرد و تا آخرین لحظه زندگی به امر خلق وفادار ماند. او را در سندانج تیرباران کردند. خاطره ی او برای همیشه زنده خواهد ماند.

محمد صدیق هم مبارزی از شهر بانه بود. او زحمتکشی بود که بر اثر فشار و بیدادگری رژیم شاه مجبور به ترک زاد نه بعد از ظهر بیست و نه مرداد را تعطیل کرد و مراسم "استقبال" شرکت کردند. روز ۶ مرداد ماه مورین اطاق با مراجعه به مغازه ها از کتیه کسبه و مغازه داران تهران جهت شرکت در مراسم امضا گرفتند. محلهائی هم تعیین شده بود که میبایست ساعت معین در آنجا حاضر شوند. ند تا بوسیله اتوبوس به خیابانهای محل مسیریرد میشوند. شبیه این امر در مراسم "سیاس" هم انجام گردید.

بکلیه کارندان ادارات و وزارتخانه ها اطلاع داده بودند که در ساعت ۳ عصر در محل اداره حاضر باشند تا بوسیله اتوبوس به محل برده شوند. شرکت تعاونی تاکسی رانان پروانه کار رانندگان را گرفته و در عوض به آنها یک نمره داده بودند که مجاز باشند با آن رانندگی کنند. در صورت تخلف و نشان ندادن در مزبورها، مورد سزا بپروانه کارشان از طرف سند یگا سپرده نمیشد.

بعلاوه کارگران کتیه کارخانجات، تعدادی دهقان را مجبور به شرکت در این مراسم میکنند. بعد از آن توه بار که آخر سر یادشان آمده بود میبزنند و با کامیون خریداران و حتی فروشندگان را اجبارا میبرند بنویز ترتیب "مراسم" با زور سازمان امنیت و ما مورین پلیس شروع میشود وای برای بازگرداندن مردم از "مراسم" تدبیرندیده بودند بطوریکه در روز اول "استقبال" مردم مجبور شدند دسته دسته و پیاده و یا بهر وسیله ای که خرج میلیفی پول ممکن میشد خود را از مهلکه برون کنند. گفته میشود که بر اثر تجربه روز "استقبال"، در مراسم "سیاس" در استاد یوم بصلت هجوم مردم بطرف وسائلی نقلیه تعداد زیادی کشته میشوند. روزنامه های فردای آنروز "مراحم ملوکانه" را به خابودهای کشته شدگان ابلاغ کردند. طبق خبر روزنامه تعداد کشته شدگان ع نفر بود ولسی آنچه که برسر زبانهاست بمراتب بیشتر از اینهاست. علت کشته شدن مردم این بود که استاد یوم در دست تعمیر بود و فقط تعدادی از درهای خروجی آن قابل استقا و اینهمه مردم میبایست از یکی دو در خارج شوند

البته شاه مثل همیشه کاسه کوزه ها را سر باد مچان دور قاب چینهای دور و برش میسکند. فردای آن روز رئیس وزند امری سکنه کرد. شاخ استکه تلفی به او "مراحم" ملوکانه و عزل او را اعلام کرده اند که شجره ب سکه قلبی او شده است. سپهبد صدری رئیس شهر بانی هم از همه مقامهای خود بر کار و در خانه شخصی تخت الحفظ است.

نمونه هایی از گفته های مردم بیک راننده تاکسی ضمن توضیح وضع زندگی اش میگفت: "که اگر یکروز کار نکنم نمیتوانم قسط ماشینش را بدهم و بخور و نمیر خود وزن و بچه اش را در این واوینای گرانی تامین کند. او اضافه کرد این هوو و جتجال برای هیچ است. اگر نفعتمی شده باید بنزین ارزان تر شود و هزینه زندگی کمتر باشد

سنت رزمندگی شازده هم آذر را زنده نگه داریم!

### سیاس، سیاسی!

خواننده های شاهدات خود را در باره مراسم "استقبال" از شاه در روز ۷ مرداد و جشن "سیاس" در روز نهم مرداد برای "ستاره سرخ" فرستاده است که ضمیمه کننده گوشه ای از واقعیات جامعه تا بسامان ماست که در زیر نقل میکنیم. این خبر احتیاج تفسیر ندارد و خود بقیه کافی گو یاست.

بعد از تصویب لایحه "حاکمیت نفت" در مجلسین که مقارن با بازگشت شاه از سفر اخیرش به آمریکا بود، مرا - سم "استقبال" برای او ترتیب داده شد و در روز بعد که قانون بتوشیح شاه رسید مراسم "سیاس" در استاد یوم آریامهر برگزار شد. از آنجا که رژیم از توده های مترسد عاملین سازمان امنیت قبل از ورود شاه اقداماتشیدید امنیتی انجام دادند. از جمله کتیه خانه هائی را که در مسیریوز از فرودگاه مهرآباد تا کاخ مورد بازرسی قرار داده و در هر خانه و یا در هر آپارتمان کتفر مجاورت خیابان مسیر یوک ما مورگه ارده شد. ساختمانها - رت کار که در خیابان آیتنهور قرار دارد سه بار دریک روز بازرسی شد و هر بار نیز ما مورین گماشته شده را عوض کرده و ما مورین جدیدی در اطفاها گماردند بعلاوه ما مورین مخفی و پلیس آشکار در این روزها در میان مردم در خیابانها تعدادشان چندین برابر شد.

این مسئله یعنی اقدامات امنیتی در چنین مواقعی شکل بازرسی تنه بد میشود چنانکه نمونه دیگرش در مورد سید ار فرح از یک درمانگاه بود که ۲ روز قبل کاوشهای امنیتی شروع شد و در این مدت تلفنهای آنجا راقطع کرده بودند و بقول یکی از شاهدین "خاک باغچهها را هم زبورو کردند".

دومین مسئله قابل ذکر چگونگی شرکت مردم در روز "استقبال" و در مراسم "سیاس" میباشد. اطاق اصاف پایتخت طی بخشنامه ای به همه واحدهای صنعتی دستور دانشجویی خارج را بخاطر مبارزه علیه این دشمنان قسم خورد هاش، باز هم بیشتر متحد ساخت، آن را گسترش داد. پائین آوردن هشیاری در این مورد، کم بهاء دادن به فتنه گریهای آنها، تبدیل مبارزات درون جنبشی، به وظیفه ی عمده کاملاً نادرست بوده و بهیچوجه از سنت رزمندگی جنبش دانشجویی ایران، از سنت رزمندگی شاه - نرد هم آذر پیروی نمی کند.

در بیست و نهم سالگرد شازده هم آذر، بایزرگداشت این روز تاریخی بخاطر مبارزه ی مشترک علیه رژیم شاه، امپریالیسم و سوسیالیسم - امپریالیسم باید متحد اصوف جنبش دانشجویی مرفی را بسط و گسترش داد. دستاورد های آن را حفظ نمود و وقتنا بخشید.

### مبارزه در اسارت

رژیم شاه بخاطر تضعیف روحیه ی مبارزین در بند د انما تلاش دارد بمتارین مختلف نمونه های منفی را به رخ مبارزین بکشد ولی مبارزین در زندانها یا افسران تسلیم طلب شناخته شده، مرزندی د قین دارند و بغیریت آنها، در زندان متفر می سازند.

طبق اطلاع در هفته ی آخر مرداد، پس از آنکه محمد رضا بریسی را رژیم با بوی و کتیا بر روی برده ی تلویزیون آورد و بار دیگر برنامدی مصحک صاحبی را در تلویزیون خود را اجرا نمود، او را به زندان نزل قلمه به میان مبارزین برد.

فرزند ان صهرمان خلق در منزل طعه که از توچه ها وسال زمانهای مختلف سیاسی استند، متعده به این امر شدیدا اعتراض نموده و دست به اعتصاب غذا بستاری خروج عوری محمد رضا گریی زدند. در میان این مبارزین، چهبره ی رزمندگی رفقای از گروه ۷ نفره ای "سازمان آزاد یبخش خلقهای ایران" که در زندان قزل - طعه بودند، دیده می شد.

روحیه ی رزمندگی مبارزین در اسارت، انهام بخش کتیه مبارزین خلق است از آنها بیاموزیم.

طبق اطلاع رفیق مبارز محمود جلازیر از اعضا ای "سازمان آزاد یبخش خلقهای ایران" را که سخیانه در دادگاه بدری نظامی بعد از دادگاه ۷ نفره به ۱ سال زندان محکوم بوده بودند، در تجدید نظر بصلت ابراز نفرت شدید نسبت به جنایات رژیم شاه و ادای بی پرواگی این احسانات در دادگاه نظامی، محکومیت او را به حبس ابد تبدیل کرده اند.

بد رفقا محمود جلازیر، اگرا یزد پناه و رحیم پناهی از مبارزین "سازمان آزاد یبخش خلقهای ایران" روزیسم جنایتکار شا - حق ملاقات نمی دهد. وظیفه ی تمام نیر و نمای دملراتیک و مرفی است که صدای اعتراض خود را علیه این بیداد کتیه و اعمال وحشیانه بلند سازند.

تعداد زیادی از زنان مبارز ایران در زندانهای شاه بسر می برند که ۳ تن از آنان در دادگاههای نظامی سر بسته محکوم شده اند. زنان مبارز ایران هر روز رزمندگی تر عهدوش برادران خود بجنو کام نهاده و در بیرون و درون زندان مبارزه ای بحق را ادامه می دهند. شکنجه زندان و مرگ مرگتر قادر نخواهد بود عزم زنان مبارز میهن ما را سست کند. بلکه محقو آنان هر روز بسط و توسعه ی بیشتری یافته و همراه برادران خود تا سرنگونی رژیم فئودالها و کتیرا ورها و برقراری حکومت دملراتیک ترین خلق به پیش خواهند رفت.

ها که نشنده ولی هر روز هزینه زندگی بالا میبرد. رانندگی بگری میگفت: "مسئله نفت هر طور حل بشود فایده اش بما که نمیرسد. وضع زندگی هر روز سخت تر و گرانی بیشتر میشود". راننده بیک هاشین شخصی که مسافر می برد گفته است: اینهمه خرج لامپ و چراغ و این جور چیزها میکند، آنوقت بروید جواد به و جنوب شهر و به بینید بچه های مردم در چه وضعی هستند. در موقعی که مسافرتش را پیاده میکند، کتیا هوا را بهانه قرار داد و چند تخن ریک به شاه داد.

کاسی ضمن اشاره به اینکه بدستور اتحادیه مربوط به محل تعیین شده برای استقبال میوز میگویی: "آدم نمیداند چه بگوید... همه چی بزوره هر کاری نشان میخواهد میکنند. مگر خدا کاری کند که از نشان خاگ شوم". کاسب بگری میگفت: "اصلا نمیشود گفت که چه دوره ای شده، آدم به هیچ چیز دلش خوش نیست. هیچ کاری هم نمیتواند بکند. اینهمه مردم را بردند آنجا ( منظور استاد یوم است )، توی آفتاب معطل کردند که چی، آنوقت پیسی و کاندای مجانی یخن میکنند".

نوع دیگر عکس العمل مردم چنین بود که اولاً تعداد زیادی از اداره ای ها "جیم" میشوند و تعداد زیادی از کاسبکاران هم تا توانستند در رفتند. در روز "مراسم استقبال" تعدادی از مغازه داران از دستور بستن مغازه بشد تحصیاتی بودند و فقط کرکره ها را نیم بسته کرده و کار مغازه ایستاده بودند ولی ما مورین تهدید میکنند که اگر روز "سیاس" این کار را تکرار کنند تحسنت تمقیب قرار خواهند گرفت. بطوریکه آنروز تمام کتیه با نا رضایت کامل و عمومی مجبور شدند کارشان را برای نصف روز تعطیل کنند.

کسانیکه در استاد یوم بودند میگفتند ضمن شعار: "جاوید شاه" شعار های "چاپید شاه" و... داده میشد

## عزم را سخ داشته باش؛ از قربانی نهراس؛ بر هر مشکلی غلبه کن؛ تاپیروز شوی